



# ما سنامه آگابى حقوقى

ارگان نشراتى وزارت عدلیه جمهورى اسلامى افغانستان

ای کسانی که ایمان آورده‌اند بیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا به زیان پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از بی هوس ترویج که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اغراض تمایذ قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است

(سوره ۴: النساء، ۱۳۵)

سال دهم شماره ۱۵۶ ۳۱ جوزا ۱۳۹۵ June 20 2016

## دعوی در محکمه ابتدائیه

تشیع و تکرار بشیر احمد عزیز  
انسـانها با ترک حیات انفرادی و اختیار نمودن زندگی اجتماعی به منظور رفع احتیاجات خویش و در کل دسترسى به رفاه و انسجام بهتر امور مجبور شدند تا به یک سلسله مقررات تن دهند و برای احقاق حقوق شان تلاش نمودند و قواعد را وضع و در صورت تخلف و تخطی از آن مجازات ببینند و با مراجعه به ارگانهای ذیصلاح جهت مطالبه حق شان بتوانند از قانون شکنی جلوگیری کنند. در صورت بروز دعوی بین دو شخص، اصحاب دعوی می‌توانند عریضه خویش را به شرح آتی، به مرجع قانونی آن تقدیم نمایند.  
زمانیکه عریضه حاوی مطلب مدنی به محاکمه تقدیم می‌گردد بر حسب ماده هجدهم قانون اصول محاکمات مدنی تحریرات محکمه ذیصلاح عریض وارده را تسلیم و بعد از ملاحظه رئیس محکمه به دفتر مربوط ثبت می‌نماید.  
با توجه به مندرجات قانون اصول محاکمات مدنی می‌توان گفت در صورتیکه محکمه در رسیدگی به قضیه خود را ذیصلاح تشخیص نمایند قرار رد آنرا صادر می‌کند. در قضیه ایکه اعتراضات ابتدایی صورت گیرد محکمه اعتراضات را در جلسه قضایی که از طرف محکمه تعیین می‌گردد رسیدگی و تصمیم قضایی اتخاذ می‌گردد. اعتراضات ابتدایی طبق قانون اصول محاکمات مدنی قرار ذیل است:

- ۱- عدم صلاحیت رسیدگی قضیه از طرف محکمه.
  - ۲- فقدان صلاحیت و اهلیت و مدعی علیه.
  - ۳- متوجه نبودن ادعای مندرج عریضه بر مدعی علیه.
  - ۴- صدور حکم قضایی قبلی در موضوع بین عارض و معروض.
  - ۵- عدم ذوالمدی مدعی علیه متکی بر اسناد معتبره در مدعی بهای غیر منقول.
  - ۶- ارتباط قضیه با دعوی ایکه در محکمه دیگر دایر است.
  - ۷- دایر بودن قضیه مندرج در عریضه در محکمه دیگر.
  - ۸- تحت مرور زمان بودن قضیه مورد دعوی.
- بعد از رسیدگی به اعتراضات ابتدایی هیات قضایی در مورد اعتراضات متذکره این قانون، بحضور طرفین موضوع را رسیدگی نموده قرار قضایی صادر و به طرفین ابلاغ می‌دارد. طرفیکه به قرار قضایی مندرج ماده ۲۲ قانون اصول محاکمات قناعت نداشته باشد می‌تواند طی مدت بیست روز اعتراض خود را به محکمه حاکمه یا محکمه فوقانی تقدیم نماید در این حالت محکمه حاکمه مکلف است به معترض به قید تاریخ رسید داده و اعتراض را بعد از ثبت در دفتر مربوطه به محکمه فوقانی احواله نماید. مدعی از طرف محکمه مکلف می‌شود در خلال پانزده روز صورت دعوی خود را به محکمه تسلیم نماید اگر صورت دعوی او صحیح نباشد هیات قضایی به مدعی تفهیم می‌دارد که دعوی خود را تصحیح نماید. به اساس رویه معمول در محاکم مدعی تا سه مرتبه به صحت دعوی مکلف ساخته می‌شود در صورتیکه مدعی تا سه مرتبه دعوی خود را تصحیح نکند به رد دعوی تصمیم اتخاذ می‌گردد.
- معباد تقدیم صورت دعوا و جواب دعوی بدون عذر معقول از پانزده روز بیشتر بوده نمی‌تواند. تحریرات محکمه مکلف است از وصول صورت دعوی، جواب دعوی و ضمائم آن به مدعی و مدعی علیه با قید تاریخ رسید بدهد. ادامه در ص/۲

## جلالتآب داکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه ج.ا. با آقای مایکل هارتمن رئیس واحد حاکمیت قانون یوناما گفت و گو کرد.

تکرار شکر بشیر احمد عزیز



در این دیدار، جلالتمآب وزیر عدلیه میگوید که سعی میکنند تا روند قانونگذاری را در افغانستان برابر با معیارهای جهانی بسازند تا تسوید قوانین به گونه درست انجام شود.  
وزیر عدلیه در باره اهمیت قانونگذاری سخن گفته و همچنان، کار در این زمینه را از ضرورتهای جدی حکومت و حدت ملی میدانند. وی اما از اینجاست که برنامه آموزشی ستار تقنینی را امسال در وزارت عدلیه راه اندازی کرده است.  
جلالتآب وزیر عدلیه این برنامه را مهم میدانند و همچنان، میگوید که بسر بنیاد و عده های نهاد های کمک کننده بین المللی در عرصه عدلی و قضایی، این برنامه را ایجاد کردیم و اما اگر در این راستا ما را کمک نکنند، به کمک دولت افغانستان و حتماً مزه خودم، آماده ام تا این برنامه را پیش ببرم.  
در همین حال، آقای هارتمن میگوید که ممکن است یکسری موادهای مورد ضرورت را این برنامه را کمک کنند و همچنان و عده سپرد که با نهاد های کمک کننده بین المللی که در عرصه عدلی و قضایی افغانستان کار میکنند، گفت و گو مینماید تا این برنامه را کمک کنند.  
این گفت و گو در ۱۱ جوزا ۱۳۹۵ به منظور چگونه گی رشد نظام عدلی و قضایی، صورت گرفت.

## شرایط نفاذ عقد ازدواج

تشیع و تکرار: عبدالرحمن عطیسی

ولایت از نگاه اصطلاح حقوقی عبارت از منطقه و قدرتی است که توسط قانون بنابر بر علل مختلف، به شخص اعطا می‌گردد، که او اساس آن می‌تواند امور مربوط به خود و یا شخص دیگر را انجام دهد. مثلاً شخصیکه دارای این نوع قدرت و صلاحیت باشد، می‌تواند به صورت مستقلانه در انعقاد عقد ازدواج برای خود سهم بگیرد و یا اینکه ازدواج اشخاص تحت ولایت خود را با شخص دیگری منعقد سازد. با در نظر داشت این تعریف شخصی که دارای این نوع صلاحیت باشد به نام ولی یادی می‌گردد و شخصی را که امور او توسط ولی پیشبرده می‌شود به نام مولی علیه سمعا می‌گردد.  
باید خاطر نشان ساخت که ولایت، دارای انواع و اقسام مختلف می‌باشد، که بهترین آنها قرار ذیل است:  
- ولایت قاصر: این نوع ولایت، عبارت از آن ولایتی است که بر اساس آن یک شخص می‌تواند بر نفس و مال خود دارای صلاحیت باشد، البته یک شخص زمانی دارای این نوع ولایت شناخته می‌شود که سن بلوغ را تکمیل، ازاد و دارای عقل کامل باشد.  
- ولایت متعدی: نوعی دیگری از ولایت بوده که بر اساس آن شخص، امور مربوط به شخص دیگری را انجام می‌دهد. البته در این حالت شخص زمانی دارای ولایت متعدی دانسته می‌شود که برای او ولایت قاصر ثابت شده باشد. بنابر آن می‌توان گفت که ولایت متعدی فرع ولایت قاصره دانسته می‌شود. ولایت متعدی دو نوع می‌باشد که به نام های ولایت ولایت اصلی و ولایت نیایی (قائم مقامی) یاد می‌گردد. در ولایت اصلی، ولایت پدر و پدر کلان شامل می‌گردد؛ زیرا که ولایت آنان در ابتداء به نسبت ولادت مولی علیه از ایشان ثابت می‌باشد. در نئی اکرم (ص) آمده است: ترجمه (النکاح علی العصبیات بغیر از فصل و ترتیب عصبیات در ولایت نکاح چنین است مانندیکه ترتیب در وراثت است و ولی ابعده محجوب می‌گردد به سبب ولی اقرب) به نظر امام شافعی (ح) اصل دار مدار ولایت بر اصل شفقت استوار است و به سپردن ولایت علاوه از پدر و جد به کسی دیگری شفقت کامل نمی‌گردد زیرا که علاوه از پدر و جد در کسی دیگری شفقت ناقص است

شرایط نفاذ عقد ازدواج عبارت از شرایطی است که در صورت موجودیت آن ها، عقد ازدواج صحیح و تشکیل خویش را کسب می‌نماید؛ ولی در صورت عدم موجودیت آنها باعث می‌گردد که به آثار و نتایج حقوقی عقد ازدواج موقتاً ترتیب اثر داده نشود بنابر آن عقد ازدواج زمانی نافذ شمرده می‌شود، که زن و شوهر دارای اهلیت بوده و عقد ازدواج توسط اصیل (خود شخص)، ولی و یا وکیل او صورت گرفته باشد. بر اساس مذهب حنفی زن و مرد می‌تواند شخصاً خودشان عقد ازدواج را جاری نمایند و یا به شخص ثالث وکالت بدهند تا صیغه ایجاب و قبول را از طرف شان جاری سازد مشروط به اینکه وکیل از محدوده وکالتی که زن و شوهر به او داده اند تجاوز نکند بناه جهت و منساحت بیشتر در این جا توجه به سه کلیمه (اصیل، وکیل و فعضولی) ضروری دانسته می‌شود:  
۱- اصیل: اصیل به معنی گفته می‌شود که شخصاً خودش در عقد تصرف می‌کند، به این معنی که ایجاب یا قبول عقد شخصاً از طرف خودش صورت می‌گیرد.  
۲- وکیل شخصی است که یکی از طرفین عقد او را اجازه داده تا از طرف وی در عقد تصرف کرده و صیغه ایجاب یا قبول را از طرف او جاری نماید. قابل توجه است که وکیل در عقد ازدواج شخصی شده می‌تواند، که اهلیت کامل تصرف عقد ازدواج را داشته باشد. به این معنی که باید اهلیت وکالت را داشته و کسی باشد که از طرف خود تصرف کرده بتواند. در صورتیکه وکیل فاقد اهلیت بوده باشد مثل مجنون و یا ناقص اهلیت صغیر و یا صغیره باشد، وکیل شده نمی‌تواند. در اینجا لازم دیده می‌شود اصطلاح ولایت وکالت را مختصراً شرح داده متعاقباً به تفصیل بیشتر روی هر یک می‌پردازیم:  
ولایت: ولایت در لغت به معنی فرمانروایی، پادشاهی، دولت داری و یا هم مطلق قدرت و صلاحیت می‌باشد.  
در اصطلاح فقهی ولایت عبارت از تنفیذ قول یک شخص دیگری می‌باشد. البته فرق نمی‌گند که مولی علیه این تنفیذ را قبول کند و یا این که از آن امتناع ورزد.

## دعوی در محکمه...

## شرایط نفاذ ...

تحریرات محکمه بعد از وصول دعوی در صورت صحت آن به تشخیص هیات قضایی اجراءات مربوطه را مطابق قانون انجام و صورت دعوی را به امر تحریری رئیس محکمه درج فوراً معین نموده و یک نسخه آنرا به تعیین وقت به مدعی علیه عرض تهیه جواب تسلیم می دهد. و در صورت عدم صحت دعوی مدعی به تصحیح صورت دعوی مکلف می شود. وقت که طرفین دعوی صورت دعوی و دفع دعوی خود را در دو نقل به محکمه تسلیم نموند تحریرات محکمه مکلف است در برابر آن به مدعی و مدعی علیه رسیدگی بدهد محکمه بعد از وصول دفع دعوی از جانب مدعی علیه تاریخ جلسه قضایی و رسیدگی به موضوع را به طرفین دعوی ابلاغ می نماید. به همین ترتیب محکمه می تواند در دعوی بسبب بدون تهیه صورت دعوی و دفع دعوی کتبی به ملاحظه اظهارات شفاهی طرفین دعوی در قضیه رسیدگی نماید مدعی که صورت دعوی خود را ای ختم میباید قانونی تسلیم محکمه ننماید در این صورت محکمه قرار خود را مبنی بر ترک خصوصیت صادر می نماید و عریضه را به مرجع مربوط آن مسترد می کند. هر گاه مدعی بعد از صدور قرار قضایی مبنی بر ترک خصوصیت به محکمه مراجعه نماید محکمه سوابق موضوع را مطالعه و بعد از محضار طرف مقابل در موضوع رسیدگی می نماید. مدعی در این حالت به تعقیب دعوی خود مکلف می باشد. بر حسب ماده می و دوم قانون اصول محاکمات مدنی اگر مدعی باز نود در میباید قانونی به اقامه دعوی خود حاضر نشود و اطلاع دایر بر عذر قانونی به محکمه نداده باشد محکمه مجدداً به ترک خصوصیت قرار صادر می نماید. قرار استخراج ماده ۳۷ قانون مزبور تابع احکام استیناف خواهی بوده مگر اینکه قانون بر خلاف آن حکم نموده باشد.

مدعی بعد از ورود قضیه به دفتر محکمه عرض رسیدگی مجدد مکلف است در خلال یکماه دعوی خود را به محکمه مربوطه اقامه نماید در صورتیکه بدون عذر قانونی به داخل میباید مقرر دعوی خود را اقامه نماید محکمه به ترک خصوصیت قرار صادر می نماید و این قرار نهایی می باشد. در متون فوق الذکر از قرار نام برده بد نیست در اینجا قرار قضایی را مطابق قانون بررسی نماییم:

بر حسب مواد ۲۶۷ الی ۲۷۱ قانون اصول محاکمات مدنی قرار قضایی حاوی مشخصات ذیل می باشد:

قرار محکمه تصمیم قضایی است که متوجه ماهیت دعوی نبوده در شکل رسیدگی صورت می گیرد.

مطابق ماده ۲۶۸ قانون اصول محاکمات مدنی: "قرار محکمه در اطاق مشوره مطابق حکم ماده ۲۴۳ این قانون توسط هیات قضایی صادر می گردد." صراحت ماده ۲۴۳ قانون متذکره را ذیلاً مطالعه می کنیم: "هیئت قضایی بعد از ختم محاکمه به عرض اخذ تصمیم و تنظیم نص حکم به اطلاق مشوره قضایی داخل و قبل از آن موضوع از طرف رئیس جلسه به اطلاع حاضرین رسانیده می شود."

محکمه می تواند در موضوعات عادی بدون رعایت حکم ماده ۲۶۸ قانون اصول محاکمات مدنی بعد از مشوره هیات قضایی قرار صادر و آنرا درج محضر نماید.

قرار محکمه عندالصدور ابلاغ می گردد.

قرار محکمه حاوی مطالب ذیل است:

۱- تاریخ و محل صدور قرار.

۲- نام محکمه صادر کننده قرار، ترکیب محکمه و منشی جلسه قضایی.

۳- اشخاص شامل قضیه موضوع مورد منازعه.

۴- موضوعی که راجع به آن قرار صادر می گردد.

۵- علل و اسباب که محکمه به موجب آن قرار خود را صادر نموده است.

۶- انکاء قانونی محکمه.

۷- نتیجه گیری و تصمیم نهایی هیات قضایی.

۸- تعیین میباید شکایت علیه قرار یکه قانوناً قطعی نباشد.

۹- تذکر قطعی بوده قرار در مواردیکه قرار مطابق به احکام قانون نهایی پنداشته شده باشد.

از مطالعه متون فوق به این نتیجه می رسیم که قضایات با توجه به قانون اصول محاکمات مدنی عمل نموده و در مواردیکه لازم دیدند قرار و فیصله قضایی را صادر می نمایند و از صلاحیتهای قوه قضاییه رسیدگی به تمام دعوی است که از طرف اشخاص حقیقی و حکمی به شمول دولت به حیث مدعی و مدعی علیه به پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

با توجه به مندرجات ماده هفتم قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان طرفین دعوی می توانند در مورد فیصله صادره محکمه تحتانی مطابق به احکام قانون به پیشگاه محکمه فوقانی شکایت و اعتراض نمایند البته فیصله های قطعی و نهایی از این حکم مستثنی می باشد.

از همین سبب است که برای پدر و جد در مال صغیره اختیار تصرف نیست با وجود اینکه مال در در مرتبه کم تر است پس نفس که در مرتبه اعلی و بلند است در این اختیار تصرف به علاوه پدر و جد به درجه اولی بودن مناسب نیست.

نا گفته نباید گذاشت که مندرجات ماده (۷۰) قانون مدنی سن ازدواج را برای ذکور ۱۸ سال تمام و برای طبقه اناث شانزده سال تمام را ذکر نموده است.

حالاً اگر دختریکه سن مندرج ماده (۷۰) قانون مدنی را تکمیل نکرده باشد عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می تواند.

**در ولایت نیایی،** ولایت قاضی و وصی شامل شده می تواند؛ زیرا که ولایت به قاضی توسط امام داده می شود و به وصی توسط شخصی که او را وصی می گیرد، داده می شود

قابل یاد آور است که ولایت متعدی از حیث موضوع به سه نوع می باشد که ذیلاً شرح می گردد:

۱- ولایت بر نفس شخص دیگر: عبارت از آن نوع ولایتی است که تنها در امور متعلق بر نفس شخص دیگر ارتباط می گیرد، مانند ولایت حضانت، تعلیم و تربیت و ازدواج.

ولایت بر مال شخص دیگر: ولایت بر مال شخص دیگر عبارت از آن نوع ولایتی است که یک شخص محض در مسایل مالی مربوطه به اموال مولی علیه می داشته باشد، از قبیل تصرفات و انجام یک سلسله عقود بر اموال مولی علیه.

ولایت بر نفس و مال شخص دیگر به یکبارگی: عبارت از آن نوع ولایتی است که بر اساس آن یک شخص هم بر مال و هم بر نفس شخص دیگری (مولی علیه) صلاحیت می داشته باشد از قبیل ولایت پدر به ارتباط نفس و اموال فرزندان فاقد اهلیت یا ناقص اهلیت.

حال در مورد انواع ولایت تذکر بعمل آمد در اینجا روی موضوع اصلی خویش که همانا ولایت در عقد ازدواج است، می پردازیم

ولایت در عقد ازدواج: بصورت عموم ولایت در ساحه عقد ازدواج به دو نوع می باشد که ذیلاً شرح می گردد:

الف- ولایت اجبار: ولایت اجبار بالای شخصی فاقد اهلیت مرتب می گردد که بعضیاً این نوع ولایت را بنام ولایت قهری نیز یاد می کنند؛ در این گونه ولایت و لسی امور مربوطه به به موالی علیه را انجام میدهد، بدون این که رضایت و موافقه ایشان شرط پنداشته شود. البته در جمله ولایت اجبار، پدر و پدر کلان شامل می باشد بنابراین پدر و پدر کلان بالاتر تیب اشخاصی را که تحت ولایت ایشان قرار دارند، می توانند به ازدواج دهند. حتی که رضایت و موافقه اشخاص مولی علیه وجود نداشته باشد. مثال بارز آن را در ازدواج صغار و مجانبین توسط پدر و پدر کلان به وضاحت دیده می توانیم.

ب- ولایت غیر اجبار: ولایت غیر اجبار به آن نوع ولایتی گفته می شود که بر بالای زن کامل الاهلیت باکره و یا نیبه در انجام عقد ازدواج به نیابت از ایشان صورت می گیرد. البته این نوع ولایت بنام ولایت استحباب نیز یاد می گردد؛ زیرا بهتر آن است در انجام عقد ازدواج زن کامل الاهلیت باکره و یا نیبه ولی ایشان سهم بگیرد و آن را منعقد سازد.

برای اینکه یک شخص ولی شخص دیگری دانسته شود باید ولی واجد شرایط ذیل باشد:

۱- آزاد بودن ولی

۲- بالغ بودن ولی.

۳- عاقل بودن ولی؛

۴- هم دین بودن. ولی با مولی علیه.

با در نظر داشت شرایط فوق الذکر می توان گفت که غلام، صغیر و مجنون از آنجایی که ولایت بر نفس خویش ندارند، نمی توانند امور مربوطه به شخص دیگری ولایت و سرپرستی نمایند.

به همین ترتیب ولی با مولی علیه دین مشترک داشته باشد. به طور مثال اگر دختر دارای پدر و پدر کلانی باشد که یکی از آن ها مسلمان و دیگری غیر مسلمان بوده باشد پس ولایت این دختر را کسی می داشته باشد که با دختر مورد نظر دین مشترک داشته باشد.

وکالت در عقد ازدواج: وکالت در لغت به معنی توفیق شخص دیگری به اجرای عمل معین و اعتماد داشتن به وی در اجرای همان کار است، و در اصطلاح فقهی قائم مقام ساختن شخص دیگر به جای خود یا تفویض صلاحیت با وی در تصرف می باشد. مشروط بر این که شرعاً نیابت چنین شخص جواز داشته و هم شخصی که تفویض صلاحیت می کند، این حق را داشته باشد بناء ضرورت دانسته می شود که در عقد وکالت هم شخص مؤکل یا مؤکله و هم شخص وکیل دارای اهلیت کامل شرعی و حقوقی باشد.

اگر وکیل یا ولی صفت وکالت یا ولایت را که برای انشای عقد ضروری است، دارا نباشد عقد موقوف به اجازه مؤکل خواهد شد و این نوع اشخاص را نیز در عرف فقها فضولی می نامند. هم چنان اگر وکیلی بر خلاف مقتضای وکالت عمل نماید عمل او را نیز فضولی می نامند. مثل اینکه مردی وکیل را به منظور عقد زن معینی با مهر معینی انتخاب کند و آن وکیل زن دیگری را و یا همان زن را با مهری بیشتر عقد کند، در این صورت عقد منوط به اجازه مؤکل می باشد.

حال که از ولایت، انواع آن و چگونگی ولایت در عقد ازدواج متذکر شدیم اکنون قابل تذکر دانسته می شود که در مورد اجرای عقد ازدواج صغار و مجانبین بحث مختصری داشته باشیم:

ازدواج صغار و مجانبین: در صورتیکه طرف و یا طرفین عقد ازدواج اشخاص فاقد اهلیت مانند مجانبین و صغار غیر ممیز باشند، نمی توانند عقد ازدواج را به صورت مستقلانه منعقد سازند. برای ایشان از طرف شرع ولی اجباری پیش بینی شده است. فرضاً اگر ایشان عقد ازدواج را منعقد نمودند، عقد ازدواج آن ها مطابق شرع و قانون باطل شمرده می شود حتی که ولی ایشان بعداً در زمینه عقد ازدواج، اجازه دهد؛ زیرا که اجازه بعدی ولی هیچ تأثیری در عقد ازدواج باطل وارد کرده نمی تواند. بر عکس اگر ازدواج اشخاص فاقد اهلیت قبلاً توسط ولی ایشان منعقد شده باشد، این گونه ازدواج مدار اعتبار دانسته می شود؛ زیرا که ولایت اجباری برای پدر و پدر کلان شرعاً ثابت می باشد.

در صورتیکه اشخاص ناقص اهلیت از قبیل طفل ممیز و معنوه مستقلانه عقد ازدواج را منعقد کرده باشند، این گونه عقد ازدواج به اجازه ولی ایشان مربوط می باشد. بدین معنی که، بر علاوه سایر ارکان و شرایط عقد ازدواج ولی او در زمینه باید اجازه دهد که در این صورت عقد ازدواج ایشان نافذ شمرده می شود و نتایج حقوقی از آن بوجود می آید. بر عکس اگر ولی این گونه ازدواج را رد کند، عقد ازدواج مذکور باطل شمرده شده نتایج حقوقی از آن بوجود نمی آید.

منابع و موخذ:

کتاب حقوق فامیل پوهندوی عبدالقادر عدالتخواه

هدایه شریف

قانون مدنی جلد اول

## د کار حقوق

۳۰ د از خونو په توافق سره د کار په فراز داد کی وروستی تفریحات او بدلونونه په هغه صورت کی جواز لری چی د کار کوونکی لپاره مزد اونور حقوق او امتیازونه ددغه قانون له مجوز څخه لږ اټکل نشی.

مزد یا اجوره :

د تولنه دخلکوبوه اقتصادی سرچینه مزد ده چی یو کار کوونکی د خپل د کار گرنی په بدل کی تر لاسه کوی.

د کار د قانون د تعریف په مطابق مزد ( مزد له هغو وجوهو څخه عبارت دی چی د کار د تر سره کولو په مقابل کی کار کوونکی ته ورکول کیږی . )

د اسلامی شریعت له نظره مزد د خاص اهمیت څخه برخه مننه ده څرنګه چی دسوره طلاق ۶ ایت د زنانه (میندو) د مزد په هکله خدای (ج) فرمایي : که چیری تاسو ته شیدی در کوی هغو ته بی مزد ورکړی .

دادول پیامبر (ص) په مبارک حدیث کی فرمایي . مخکی له دی چی د کار کوونکی خوله وچه شی د دوی مزد ورکړی .

د کار قانون په افغانستان کینی :

د (۹۱۴) ۱۵/۲/۱۳۸۵ شمیری رسمی جریده د کار قانون د ۱۳۸۲ کال اساسی قانون د ۴۸ ماده په اساس په ۱۴ فصلونو او ۱۵۳ ماده کی وضع اوتصویب شوی . او اوسمهال نافذ او برمی الاجراء قانون ده په دغه قانون کی د ټولور څو دعام کار (داخلي او بیرونی کار کوونکی) مناسبیت له اداو سره تنظیم ( برابر ) کړی ده . په قانون کی د اجباری کار ( زور زانی ) منع :

اسلامی شریعت ، ملی او نړیوال قوانینو کی په اجباری توګه د کار تحمیل منع شوی ده . اساسی قانون ۲۸ ماده بدی هکله وایی ( کار د هر افغان حق دی . د کار د سامتونو ټاکل او یا معاشره څصتی ، د کار او کارگر حقوق او له هغوسره نوری مربوطی جاری د قانون له لاری تنظیمیږی د قانون د حکمونو په حدود کی د کار او کسب انتخاب ژاد دي .

پدی رقم سره بی اجباری کار منع کړی څرنګه چی د اجباری کار د منع کولو په اند د کار قانون ۲ ماده داسی مشعره ده ( اجباری کار ممنوع دی کار هغه وخت اجباری بلل کیږی چی کار کوونکی د گواښ په وسیله یا په بل ډول د هغه د لاری برخلاف د هغه پر تر سره کولو مکلف شی . هغه کار چی کار کوونکی د قانون

د حکمونو سره سم د هغه پر تر سره کولو مکلف شی اجباری نه بلل کیږی . د اساسی قانون ۲۹ . ۵۰ ماده د نه اجباری کار (د اجباری کار نه تحمیل ) ، تبعیض د دولت په خدمت ، د کار په استخدام ، د شغل اودنده د انتخاب په هکله وایی داچی د جبری کار تحمیل منع دی . د جگړی آفتونو او نور داسی حالاتو کی چی د عامه ژوند او هوساینه تهدید کړی فعاله برخه اخیستنه د هر افغان ملی وجیبه ده پراشومانو د کار تحمیل منع دی .

د دولت مکلف دی چی دیوی سالی اداری او د هیواد په اداری سیستم کی د سمون در امینځ ته کیدو لپاره لایم تدبیرونه ونیسی .

اداره خپل اجراءات په بشپړه بیطرفی او د قانون له حکمونو سره سم عملی کوی . د افغانستان اتباع حق لری د قانون د حکمونو په حدود کی له دولتی ادارو څخه اطلاعات تر لاسه کړی دا حق دنورو حقوقو او عامه امنیت نه له زیان رسولو پرته حدود نه لری .

د افغانستان اتباع د اهلیت له مخی اوله هر ډول توپیر څخه پرته د قانون له حکمونو سره سم د دولت خدمت ته منل کیږی .

په ماشومانو باندی د اجباری کار منع :

په ماشومانو باندی اجباری کار منع دی هیڅ څوک حق نلری چی په ماشومانو باندی سخت او درانده کار ونه وکړی . د ودی او پر مخنګ په خاصه توګه ښوونځی ته د تګ مانع شی .

د اساسی قانون ۲۹ ماده په ماشومانو باندی د اجباری کار کړنی نه جواز ښودلی ده .

د ماشومانو شرکت په اقتصادی فعالیتونو کی د ماشوم په صحت او وده تاثیر ونه لری او د ماشوم د زده کړی پروسه مخننه نه کړی کیدای شی مثبت وی دا اجباری کار نه بیژندل کیږی . هغه فعالیتونه چی د زد کړی پروسه مخننه نکړی د نړیوال سازمان اساسی کنواسیون ۱۲ کلنی څخه ورسته عمر لرونکي ښودلی دي .

په افغانستان کی د ماشومانو لپاره د کار سن ۱۴ کاله او په اونی کی ۱۳ کاله ساته ده . مگر په بعضی لرونکو چی د کار هدف زد کړه وی ۱۳ کاله سن مجاز شمیرل شوی ده . د ۱۳ کاله څخه کته عمر لرونکی ماشوم باندی کار په قطعی ډول سره منع ده .

په ماشومانو باندی د اجباری کار منفي پیامد ( راتلونکی حال )

څرنګه چی اجباری کار اقسام او ډولونه لری ، په ماشومانو باندی منفي تاثیرات بی هم فرق لری .

د ماشومانو د طبیعی وده مانع کیږی .

صحی اوروالی ستونزی پیدا کوی .

ماشومان د زده کړی څخه لاری پاتی کیږی او په ټولنه کی بی سوادی څیره او زیانگیری .

ماشومان د بریز په مخننه توګو مادتیږی او په راتلونکو کی په ټولنه کی د تخلف کوونکو ماشومانو د زیادوالی سبب گرځی .

د افغانستان په قانونو کی د ښځو د کار حقوق :

د اساسی قانون د ۲۸ ماده په اساس کار د هر افغان حق ده . د مساوی کار حقوق او مساوی مزد په اساسی قانون کی په واضحه توګه بیان شوی ( کار د هر افغان

حق دی . د کار د سامتونو ټاکل او یا معاشره څصتی ، د کار او کارگر حقوق او له هغوسره نوری مربوطی جاری د قانون له لاری تنظیمیږی د قانون د حکمونو په حدود کی د کار او کسب انتخاب ژاد دي .

دا ډول د کار قانون ۱۲۵ ماده کار د ښځی حق ښودلی ده . د دغه قانون په مطابق هیڅ څوک حق نلری د ښځی په وړاندی د کار د قبلولو څخه وکړی

یا د ښځی مزد د حمل توب یا شیدو وړکولو په دلیل کم کړی . د کار کوونکو د حقوق او امتیازاتو څخه سربیره چی د کار په قانون کی په نظر کی نیول شوی

نور امتیازونه په خاصو حالاتو کی د ښځو لپاره په قانون کی ښودل شوی دی . د مثال په توګه :

په اوسطه توګه د کار وقت په یوه کال کی د اونی څخه د ۲۰ ساعت څخه زیاد نشی

کیدي مگر د حامله ښځو لپاره ۳۵ ساعته ده دا د کار د وخت کموالی د ښځو د حقونو او مزد د کسر سبب ( موجب ) نه گرځی .

د کار د قانون د ۵۴ ماده په اساس خاص حقوق چی ښځو ته په نظر کی نیول شوی دی ، ( ښځینه کار کوونکی له مزد سره د ۹۰ ورځو ولادی څصتی مستحقه ده چی یولت بی له ولادت څخه مخکی او دوه تلته بی له ولادت څخه وروسته د اجر اوور دی . د غیر طبیعی یا غیروګون باله هغه څخه د زیات ولادت په صورت کی ۱۵ ورځی زیاته موده څصتی هغی ته ورکول کیږی .

د کار د قانون یوولسم فصل ۱۲۰ ماده د ښځو اوتنکی ځوانانو گهاری معدنی زیرمو او هغه کارونو ته چی صحت لپاره مضر وی جواز نده ورکړی . په ذکر شوی قانون

کی په واضحه توګه یاد شوی دی اداره نشسی کولی چی زنانه د ښانه کار لپاره وگهاری . اداره نشسی کولی امیندواړه ښځی ، د دوه کلنی څخه لږ عمر لرونکی

ماشوم میندی ، اوننکی ځوانان په اضافه کاري او درسمی کار د تر سره کولو لپاره په مسافرت وگهاری .

د اسلام مبین دین له نظره د ښځو د کار حقوق :

نر او ښځه دواړه د خپلو اعمالو له مخی د اجر او ثواب مستوجب گرځی څرنګه چی خدای (ج) د ال عمران سوره ۱۹۵ ایت کی فرمایي ترجمه : ( خدای د دوی د دعا

اجابت وکړ او وی فرمايل زده د هېڅ چاه عمل بی یاداشته ( بی مزده ) نه بیریردم

پدی اساس د کور څخه بهر زنانه لپاره د کار کړنه چی د اسلامی شریعت د حکمونو سره پراړه وی رواه او د دوی مشروع حق دی .

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان  
 تحت نظر: هیئت تحریر  
 سر دبیر: در دانه فضالی  
 هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیزی، دوست محمد عارف، شفیق الله نسی زاده و محمد عارف صباح  
 دبیران: سید عابد مخمور [weel\\_abid@yahoo.com](mailto:weel_abid@yahoo.com)  
 گزارشگر: بشیر احمد عزیزی  
 آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی  
 آدرس انترنیتی: [www.moj.gov.af](http://www.moj.gov.af) پست الکترونیکی: [agahi.hoqqi@gmail.com](mailto:agahi.hoqqi@gmail.com)  
 شماره تماس: 93+(0) 700 034 338 - 93+(0) 0752 042 275



# Monthly Agahi Hoqqi

Ministry of Justice's Publication Organ

June 20 2016 ۳۱ جوزا ۱۳۹۵ شماره ۱۵۶ سال دهم

## تدویر کارگاه آموزشی دو روزه پلانگذاری و گزارش نویسی

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



امیریت جنر معینیت اداری با همکاری مالس دفتر محترم GIZ و همکاری تخنیکي ریاست محترم پالیسی و پلان وزارت، برنامه آموزشی دو روزه را تحت عنوان پلانگذاری و گزارش نویسی برای ۲۰ تن از کارمندان انات وزارت عدلیه به تاریخ ۹ و ۱۰ جوزا ۱۳۹۵ در هتل سدار تدویر نمودند، هدف از این برنامه را آشنائی کارمندان اناتیکه جدیداً تقرر حاصل کرده بودند از چگونگی تدوین پلان کاری و ارائه گزارش از فعالیت های کاری شان تشکیل میداد.

## دکار حقوق

یزد، محمد طرف (ساج)

دعمومي، عامه حقونو دشعبو څخه يوه شعبه د کار د حقوقو شعبه ده. په کار باندی حاکم قاعدی او مقررات دی چی د کار او کارکوونکی تر مینځ رابطی تنظیموی. د کار د حقونو موضوع: د کار د حقونو د بحث وړ موضوع د کارکوونکی، کار فرما، مزدوری اجوره، د کار قرارداد، د کار ساعتونه، د کار ځایونه، په کار کی نصاب، رخصتی، د کار په وخت کی تفریح ته شاملیری. اصطلاحگاني:

کارکوونکی: د مامور او کارکوونکو (مامور، کارگر، خدماتی، قراردادی کارکوونکی) په عام ډول د زنانه او نارینه په شمول کسان دی.

۱- کارکوونکی: د بنسټی اونر په گڼون پرمامور او قراردادی کارکوونکو (مامور، کارگر، او خدماتی کارکوونکی باندی مشتمل دی.

۲- مامور: هغه کارکوونکی دی چی د دغه قانون او د اړوند قانون د حکمونو له پام کی نیولوسره، د ملکی خدمتونو د اداری له لاری په دایمی توگه استخدا میری.

۳- کارگر: هغه کارکوونکی چی د ناکی قرارداد په اساس په اداره کی استخدا میری.

۴- خدماتی کارکوونکی: هغه شخص دی چی د ناکی قرارداد په اساس د کار د مرستندویه خدمتونو د ترسره کولو لپاره په اداره کی استخدا میری. د کار قرارداد:

د کار قانون د ۱۴ ماده پر بنا د کار قرارداد:

۱- د کار قرارداد د کارکوونکی او اداری یا کار فرما له لیکلی توافق څخه عبارت دی چی د هغه په موجب کارکوونکی د دندو د لایحی مطابق د کار د دوری د مزد او نورو حقوقو او امتیازونو د تر لاسه کولو په مقابل کی د ناکی یا نا ناکی مودی لپاره خدمت تر سره کوی.

۲- د ناکی قرارداد موده یو کاله ده او د اړخونو په توافق سره تمدیدی شی په هغه صورت کی چی د ناکی قرارداد په پای کی، اړخونه تریوی میاشتی پوری د تمدید یا نه تمدید په هکله اقدام ونکری قرارداد په پخوانیو شرایطو، تمدید شوی گڼل کیږی.

ادامه در ص ۲/

## تطبيق برنامه آگاهی حقوقی در ولسوالی استیالی ولایت کابل

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



برنامه یک روزه آگاهی عامه حقوقی به تاریخ ۲۴ جوزا سال روان در مرکز ولسوالی استالی برگزار گردید، در این برنامه حقوقی به تعداد زیادی از وکلای گنر، موسفیدان آن ولسوالی شرکت نموده بودند ابتدا محفل با تلاوت آیات چند از کلام الله "مجید" آغاز گردید، بعداً یک تن از اعضای مبلغین ساحویی ریاست مساعدت های حقوقی در قدم اول اشتراک کنندگان محفل را خوش آمدید و خیر مقدم گفته ثانیاً وزارت عدلیه و ریاست های مربوط آنرا به معرفی گرفت

و طبق آجندا پیرامون موضوعات چون حقوق اساسی و وجایب اتباع، منع خشونت علیه زنان، مصالحه و حکمیت برای مشترکین محفل بیان نمودند، در جریان تدریس پیرامون موضوع بعضی سوالات از طرف اشتراک کنندگان ارائه گردید. به سوالات آنها معلومات همه جانبه ارائه گردید. در ختم محفل یک تن از اشتراک کنندگان از تدویر همچو برنامه ها اظهار سپاس و قدر دانی نموده همکاری خود را در آینده در تطبیق همچو برنامه ها اعلان نمودند.